

مُنَادِیَانِ اَمْت

دو هفته نامه منادیان امت | شماره بیست | نیمه دوم بهمن ماه ۱۴۰۴



محور مقاومت در میدان
نبرد دیپلماسی و امنیت



راهپیمایی ۲۲ بهمن؛ تجلی
«قدرت نرم» محور مقاومت



فساد در حکومت پهلوی



پیام تلویزیونی برای تشکر از حضور میلیونی ملت بزرگ ایران در راهپیمایی یوم‌الله ۲۲ بهمن ۱۴۰۴

سعی بشود که اتصال و انسجام ملی را حفظ کنیم؛ همه‌ی ما سعی کنیم. این انسجام ملی خیلی قیمت دارد، خیلی باارزش است. اینکه یک ملت بیایند در خیابانها، یک حرف واحد، یک شعار واحد، یک مطلوب واحد را تکرار کنند، و عملاً نشان بدهند که در صحنه حضور دارند و میتوانند هویت خودشان را، شخصیت خودشان را به رخ دشمنان خودشان بکشند، خیلی باارزش است.

<https://farsi.khamenei.ir>

بازه زمانی ۱ تا ۱۵ فوریه ۲۰۲۶ (۱۳ تا ۲۷ بهمن ۱۴۰۴) بدون تردید یکی از پرتلاطم‌ترین و سرنوشت‌سازترین مقاطع تاریخ معاصر غرب آسیا و نظام بین الملل محسوب می‌شود. در این دو هفته، شاهد هم‌افزایی و هم‌زمانی رخدادهایی بودیم که هر یک به تنهایی می‌توانست معادلات منطقه را دستخوش تغییر کند، اما وقوع همزمان آن‌ها تصویری از یک «نبرد فراگیر و چندلایه» را ترسیم می‌کند؛ نبردی که در آن دیپلماسی، قدرت نظامی، امنیت، تروریسم و حضور مردمی در هم تنیده شده‌اند.

آنچه این رویدادها را به یکدیگر پیوند می‌زند، رویارویی مستقیم و غیرمستقیم دو جبهه اصلی در غرب آسیاست: از یک سو «محور مقاومت» به رهبری جمهوری اسلامی ایران، و از سوی دیگر «جبهه استکبار» به سرکردگی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی با همراهی برخی بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای. تحلیل جامع این رویدادها نشان می‌دهد که منطقه در آستانه یک «نظم امنیتی جدید» قرار گرفته است؛ نظامی که معادلات آن نه در یک نبرد نظامی تمام‌عیار، بلکه در عرصه‌های موازی دیپلماسی، فشار حداکثری، بازتعریف اتحادها و پشتوانه مردمی رقم می‌خورد.

در این شماره به موضوعاتی که در ادامه ذکر می‌شود پرداخته خواهد شد:

محور مقاومت در میدان نبرد دیپلماسی و امنیت

- مذاکرات عمان؛ دو راهی تعامل یا تقابل
- توافق سوریه و کردها؛ بازتعریف نقش‌ها در شمال غرب آسیا
- انتقال زندانیان داعش؛ صادرات بحران یا مدیریت تهدید؟

محور مقاومت در میدان نبرد دیپلماسی و امنیت

- فشار حداکثری در لباس دیپلماسی
- فروپاشی نظم کهن؛ انقضای پیمان نیو استارت
- مذاکرات صلح اوکراین؛ بازگشت واقع‌گرایی اجباری

جہانک اسرار



موضوع اول: مذاکرات ایران و آمریکا در عمان؛ از دیپلماسی تا آرایش جنگی

در تاریخ ۶ فوریه ۲۰۲۶ هیئت‌هایی از ایران و آمریکا برای اولین بار پس از ماه‌ها تنش، گفتگوهای را در مسقط آغاز کردند. عمان به عنوان میانجی، مسئولیت انتقال پیام‌ها بین دو طرف را بر عهده داشت. این رویداد در حالی رقم خورد که تنفس سرد دیپلماتیک با ابرهای سیاه نظامی در هم آمیخته بود.

در مذاکرات اخیر عمان، ایران با بهره‌گیری هوشمندانه از سه مؤلفه کلیدی، ابتکار عمل راهبردی را در دست دارد: نخست، انتخاب *مکان مذاکره* در مسقط، پایتخت کشوری که همواره نقش میانجیگر سستی و مورد اعتماد دو طرف را ایفا کرده است؛ دوم، اصرار بر *غیرمستقیم بودن* گفتگوها که نه تنها از پیچیدگی‌های روانی و سیاسی رویارویی مستقیم می‌کاهد، بلکه کنترل کامل بر روند انتقال پیام‌ها و مدیریت انتظارات را برای ایران ممکن می‌سازد؛

و سوم، *تعیین محدوده موضوعی* مذاکرات که ایران موفق شد آن را صرفاً به پرونده هسته‌ای محدود کند و از ورود گفتگوها به حوزه‌های خط قرمز خود یعنی توانمندی‌های دفاعی-موشکی و نقش منطقه‌ای‌اش جلوگیری نماید. با وجود بدبینی عمیق به چشم‌انداز موفقیت این دور از مذاکرات، تن دادن ایران به آن دلایل منطقی و راهبردی روشنی دارد:

نخست، خنثی‌سازی فضا سازی رسانه‌ای غرب که همواره تهران را به عدم تعامل و صلح‌ستیزی متهم می‌کند.

دوم، خرید زمان برای تکمیل دستاوردهای فنی هسته‌ای در سایه گفتگوها و نشان دادن حسن نیت به افکار عمومی جهانی. سوم، ایجاد شکاف در صف متحدان غربی و آزمودن جدیت آمریکا در عمل، نه در شعار.

چهارم، حفظ ابتکار عمل سیاسی در شرایطی که جبهه استکبار با آرایش جنگی و تهدیدات نظامی به میدان آمده است. به عبارت دیگر، ایران با محاسبه دقیق معادلات قدرت، از میز مذاکره به عنوان ابزاری برای مدیریت بحران، کاهش فشارهای بین‌المللی و افشای نیت واقعی طرف مقابل بهره می‌گیرد، نه به امید دستیابی به توافقی که ساختار قدرت منطقه‌ای و توانمندی‌های دفاعی‌اش را محدود کند.

اختلاف در دستور کار و حمایت از تغییر رژیم

پیش از برگزاری مذاکرات، دو کشور بر سر مکان و محوریت گفتگوها اختلاف نظر جدی داشتند. ایران خواستار گفتگوهای محدود به موضوع هسته‌ای در عمان بود، در حالی که آمریکا به دنبال گسترش دامنه مذاکرات به موضوعات موشکی و مسائل منطقه‌ای بود.



ابعاد پنهان (حمایت از تغییر رژیم): همزمان با برگزاری این مذاکرات علنی، رسانه‌ها و منابع آگاه فاش کردند که دولت ترامپ به صورت موازی در حال «برنامه‌ریزی برای سناریوهای براندازانه» در ایران است. بر اساس گزارش‌ها، جراد کوشنر، داماد و مشاور ارشد رئیس‌جمهور آمریکا، شخصاً در حال جمع‌آوری گروهی از فعالین تجاری ایرانی آمریکایی برای تشکیل «یک نهاد انتقالی» به منظور اداره ایران در صورت سقوط نظام جمهوری اسلامی است. همچنین قرار شد جلسه‌ای با چهره‌های مخالف ایرانی در فلوریدا برگزار شود. این اقدام دوگانه (مذاکره در عمان، تلاش برای تغییر رژیم در واشنگتن) نشان‌دهنده رویکرد «چماق و هویج» با راهبردی بلندمدت است.

آرایش جنگی و اعزام ناو دوم

همزمان با گرم شدن تنور دیپلماسی، پنتاگون دومین ناو هواپیمابر خود (یواس اس جرالد آر. فورد) را به همراه ناوگروهی به سمت خاورمیانه گسیل داشت تا به ناوگروه یواس اس آبراهام لینکلن ملحق شود. بر اساس گزارش‌های دفاعی، حدود ۱۲ کشتی جنگی آمریکا از ابتدای ژانویه در منطقه مستقر شده‌اند. این بزرگترین تجمع دریایی آمریکا در منطقه از زمان جنگ عراق است و تلاش دارد این پیام را به ایران منتقل کند:

«اگر دیپلماسی شکست بخورد، گزینه نظامی روی میز است» در اینجا تقابل دو منطق را شاهد هستیم: منطق انقلاب اسلامی که مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت است، و منطق استکباری که خواهان تسلیم کامل و یا حذف فیزیکی جبهه حق است. حمایت علنی ترامپ از «تغییر رژیم» نشان می‌دهد که طرف آمریکایی حتی در لحظه مذاکره نیز به دنبال برهم زدن معادله به نفع خود است. اعزام ناو دوم نیز نمایی از «قدرت سخت افزاری» در پشت صحنه دیپلماسی است. اما تجربه تاریخی ثابت کرده است که ملت ایران با تکیه بر رهبری حکیمانه، همواره این محاسبات غلط دشمن را نقش بر آب کرده است.

موضوع دوم: مذاکرات جدید صلح روسیه و اوکراین در ژنو

دور جدید مذاکرات صلح سه‌جانبه بین روسیه، اوکراین و آمریکا برای روزهای ۱۷ و ۱۸ فوریه ۲۰۲۶ در ژنو برنامه‌ریزی شده است. این نیز شکستی دوباره برای آمریکا و غرب و کسانی است که آنها تکیه می‌کنند است، ترامپ زلنسکی را وادار به مذاکره و دادن امتیاز به روسیه کرده است. پیش از این، دو دور مذاکرات کارشناسی در سطح امنیتی در ابوظبی برگزار شده بود که منجر به توافقی برای تبادل گسترده زندانیان شد، اما در مورد مسائل اصلی مانند آتش‌بس و ترتیبات ارضی، هیچ پیشرفتی حاصل نشد.



ترکیب هیئت‌ها و چالش‌ها

روسیه: هیئت روسی به ریاست ولادیمیر مدینسکی (مذاکره‌کننده ارشد سابق) انجام خواهد شد. تحلیلگران معتقدند جایگزینی مدینسکی به جای ایگور کاستیوکوف (رئیس اطلاعات نظامی) نشان‌دهنده تغییر رویکرد مسکو از مسائل فنی نظامی به مسائل سیاسی کلان است.

اوکراین: هیئت به ریاست رستم عمروف (دبیر شورای امنیت ملی) و با ترکیب قبلی در مذاکرات شرکت می‌کند. ولودیمیر زلنسکی ابراز امیدواری کرده است که این مذاکرات «جدی و پرمحتوا» باشد.

مواضع آمریکا: دونالد ترامپ به زلنسکی هشدار داده است که برای رسیدن به توافق «حرکت کند» وگرنه فرصت نادر را از دست خواهد داد. این اظهارات نشان‌دهنده فشار واشنگتن بر کی‌یف برای انعطاف بیشتر است.

حاشیه اروپا: با وجود درخواست امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، برای حضور اروپا در مذاکرات، کرملین تأکید کرده است که این گفتگوها صرفاً سه‌جانبه خواهد بود.

آنچه در مذاکرات اوکراین مشهود است، «خستگی از جنگ» و «واقع‌گرایی اجباری» است. غرب که زمانی به دنبال شکست استراتژیک روسیه بود، اکنون به دنبال مدیریت بحران و کاهش هزینه‌هاست. از منظر ما، این درگیری نتیجه سیاست‌های توسعه طلبانه ناتو و غفلت از هشدارهای قبلی روسیه بود. عبرت آن برای جهان اسلام این است که اتکا به غرب، جز ویرانی و وابستگی به دنبال ندارد و تنها مقاومت و ایستادگی، عزت و استقلال می‌آورد.



موضوع سوم: دیدار لاریجانی و رهبران حماس؛ تأکید بر پایداری مقاومت

در تاریخ ۱۰ فوریه ۲۰۲۶ هیئتی از جنبش حماس به رهبری خلیل الحیه (معاون رئیس جنبش در نوار غزه) با علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، در دوحه (پایتخت قطر) دیدار و گفتگو کرد.





۱ غزه و آتش‌بس: دو طرف آخرین تحولات نوار غزه و نقض های مداوم آتش‌بس از سوی رژیم صهیونیستی را بررسی کردند. حماس بر پابندی خود به اجرای مفاد توافق آتش‌بس (مورخ ۱۰ اکتبر) و جلوگیری از بازگشت به جنگ تأکید کرد.

۲ تجاوز در کرانه باختری: این دیدار یک روز پس از آن برگزار شد که کابینه امنیتی اسرائیل اقدامات جدیدی برای توسعه شهرک‌سازی و افزایش کنترل خود بر کرانه باختری تصویب کرد. حماس این اقدامات را محکوم کرد.

۳ همبستگی با ایران: هیئت حماس ضمن اعلام همبستگی با جمهوری اسلامی ایران، هرگونه تهدید یا حمله به خاک ایران را رد کرد.

۴ موضع ایران: علی لاریجانی با تقدیر از «ایستادگی و مقاومت مردم فلسطین در این برهه حساس»، بر تداوم حمایت جمهوری اسلامی ایران از آرمان فلسطین تأکید کرد.

این دیدار در شرایطی انجام می‌شود که برخی جریان‌ها و رسانه های معاند، به دنبال القای شکاف بین جبهه مقاومت و جمهوری اسلامی هستند. پیام روشن این دیدار، انسجام استراتژیک و هماهنگی کامل بین رهبران مقاومت و تهران است. تأکید بر اجرای آتش‌بس و در عین حال هشدار نسبت به توطئه‌های جدید رژیم صهیونیستی، نشان‌دهنده هوشیاری کامل جبهه حق در برابر فریب‌های سیاسی و تهدیدات امنیتی است. همانطور که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بارها تأکید کرده اند، فلسطین مسئله اول جهان اسلام است و تا آزادی کامل قدس شریف، این حمایت‌ها تداوم خواهد داشت.

موضوع چهارم: انقضای پیمان «نیواستارت» و پایان دوران محدودیت‌های هسته‌ای

در تاریخ ۵ فوریه ۲۰۲۶ (۱۶ بهمن ۱۴۰۴)، پیمان «استارت نو» (New START) که آخرین توافق الزام‌آور میان آمریکا و روسیه برای محدود کردن تسلیحات هسته‌ای استراتژیک بود، رسماً منقضی شد. با انقضای این معاهده، برای نخستین بار در بیش از پنج دهه گذشته، دو قدرت بزرگ هسته‌ای جهان هیچ توافق الزام‌آوری برای کنترل زرادخانه‌های عظیم خود ندارند.

بر اساس مفاد این پیمان که در سال ۲۰۱۰ توسط باراک اوباما و دمتری مدودف امضا شد، هر یک از دو طرف مجاز به داشتن حداکثر ۱۵۵۰ کلاهک هسته‌ای استراتژیک بر روی ۷۰۰ موشک و بمبافکن بودند. این توافق همچنین امکان بازرسی‌های میدانی گسترده را فراهم می‌کرد، اما این بازرسی‌ها از سال ۲۰۲۰ به دلیل همه‌گیری کرونا متوقف شد و هرگز از سر گرفته نشد.

واکنش‌ها و تحولات همزمان:

واکنش مسکو: وزارت خارجه روسیه اعلام کرد که مسکو همچنان متعهد به رفتار «مسئولانه» است، اما در عین حال هشدار داد در صورت تهدید امنیت این کشور، «اقدامات قاطعانه» اتخاذ خواهد کرد. ولادیمیر پوتین پیشتر نسبت به بی ثبات‌کننده بودن پایان این پیمان و تشدید گسترش سلاح‌های هسته‌ای هشدار داده بود.

واکنش واشنگتن: دونالد ترامپ تأکید کرده است که هر توافق آینده در مورد کنترل تسلیحات هسته‌ای باید شامل چین نیز شود؛ پیشنهادی که پکن آن را رد کرده و مسکو نیز آن را غیرضروری می‌داند.

موضوع پنجم: انتقال بیش از ۵۷۰۰ زندانی داعش از سوریه به عراق

ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) روز ۱۳ فوریه ۲۰۲۶ (۲۴ بهمن ۱۴۰۴) اعلام کرد که روند انتقال بیش از ۵۷۰۰ عضو بازداشت‌شده داعش از شمال شرق سوریه به عراق را تکمیل کرده است. این مأموریت ۲۳ روزه که از ۲۱ ژانویه آغاز شده بود، با هدف «تضمین نگهداری ایمن بازداشت‌شدگان» انجام گرفت.



جزئیات ملیت زندانیان:

بر اساس اعلام وزارت دادگستری عراق، آمار تفکیک‌شده زندانیان منتقل‌شده به شرح زیر است:

تبعه سوریه: بیش از ۳۰۰۰ نفر

تبعه عراق: بیش از ۲۷۰ نفر

سایر ملیت‌ها: بقیه زندانیان (حدود ۱۷۰۰ نفر) از کشورهای دیگر هستند

در این بین ۲۱ نفر ایرانی نیز در بین این داعشی‌ها وجود دارند که هویت آنها مشخص نیست.

سخنگوی وزارت دادگستری عراق تأکید کرد که همه این افراد در یک زندان امن نگهداری می‌شوند و طبق قانون عراق مورد تحقیق و محاکمه قرار خواهند گرفت. وی همچنین اظهار داشت که هزینه‌های تغذیه این زندانیان بر عهده ائتلاف بین‌المللی است، نه عراق.



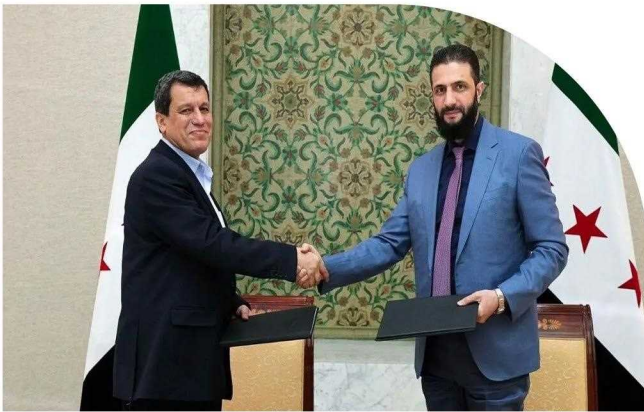
واکنش سازمان ملل: آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، این رویداد را «لحظه‌ای خطرناک برای صلح و امنیت بین‌المللی» توصیف کرد و هشدار داد که «خطر استفاده از سلاح هسته‌ای در بالاترین سطح طی دهه‌ها قرار دارد».

اقدام غیرمنتظره: در تحولی شگفت‌انگیز، ساعاتی پس از انقضای این پیمان، فرماندهی نیروهای آمریکایی در اروپا اعلام کرد که واشنگتن و مسکو توافق کرده‌اند گفتگوی سطح بالا بین ارتش‌های خود را از سر بگیرند. این کانال ارتباطی که چهار سال پیش در آستانه جنگ اوکراین به حالت تعلیق درآمده بود، با هدف «ادامه تلاش برای دستیابی به صلح پایدار» دوباره فعال می‌شود.

انقضای پیمان نیو استارت را باید در چارچوب بحران نظم بین‌الملل و افول دیپلماسی چندجانبه تحلیل کرد. آنچه در این میان قابل تأمل است، رویکرد دوگانه قدرت‌های بزرگ است: از یک سو با انقضای مهمترین معاهده خلع سلاح، زمینه را برای رقابت تسلیحاتی جدید فراهم می‌کنند و از سوی دیگر با از سرگیری تماس‌های نظامی، تلاش می‌کنند از برخورد تصادفی جلوگیری کنند. این تناقض آشکار، نشان‌دهنده «بازی با آتش» در عرصه بین‌المللی است. از منظر اسلامی، ساخت و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی با فطرت انسانی و کرامت بشری در تضاد است و مایه نگرانی عمیق برای همه آزادگان جهان می‌باشد.

موضوع ششم: توافق سوریه و کردهای سوریه و پایان درگیری‌های چندروز اخیر

دلایل و ابعاد امنیتی



این انتقال در شرایطی صورت گرفت که نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) که پیشتر مسئولیت حفاظت از زندان‌ها را بر عهده داشتند، در جریان درگیری‌های اخیر با نیروهای دولتی سوریه از برخی مناطق عقب‌نشینی کرده بودند. این عقب‌نشینی باعث نگرانی از فرار گسترده زندانیان داعش شد و ائتلاف بین المللی را ناگزیر کرد مسئولیت زندان‌ها را بر عهده بگیرد.



پس از حدود دو هفته درگیری شدید میان نیروهای دولتی سوریه و «نیروهای دموکراتیک سوریه» (SDF) به رهبری کردها، سرانجام در تاریخ ۳۰ ژانویه ۲۰۲۶ (۱۰ بهمن ۱۴۰۴) توافق آتش‌بس جامعی بین دو طرف حاصل شد که به درگیری‌ها پایان داد.

جزئیات توافق ۱۴ ماده‌ای:

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، این توافق که میان احمد شرع، رئیس‌جمهور موقت سوریه، و مظلوم عبدی، فرمانده نیروهای دموکراتیک سوریه، امضا شد، شامل مفاد زیر است:

۱ **ادغام نظامی:** پرسنل نظامی و امنیتی نیروهای دموکراتیک سوریه پس از طی مراحل گزینش، در وزارت‌های دفاع و داخله سوریه ادغام خواهند شد.

۲ **بازگشت حاکمیت دولت:** نهادهای دولتی سوریه حاکمیت خود را بر سه ولایت شرقی و شمالی یعنی حسکه، دیرالزور و رقه دوباره تثبیت خواهند کرد.

۳ **کنترل منابع:** اداره میادین نفت و گاز، گذرگاه‌های مرزی و نهادهای غیرنظامی که ستون فقرات خودگردانی کردها بودند، به دولت مرکزی واگذار می‌شود.

۴ **مدیریت زندان‌های داعش:** مسئولیت زندان‌ها و کمپ‌های بازداشتی که محل نگهداری ده‌ها هزار جنگجوی خارجی داعش و خانواده‌هایشان است، بر عهده دمشق قرار می‌گیرد.

۵ **حقوق فرهنگی کردها:** دولت سوریه متعهد شد حقوق فرهنگی و زبانی کردها از جمله اعطای جایگاه «زبان رسمی» به زبان کردی و ثبت نوروز به عنوان تعطیل رسمی را به رسمیت بشناسد.

یک پژوهشگر امنیتی در این زمینه اظهار داشت که نگرانی اصلی ائتلاف به وضعیت منطقه شمال شرق سوریه بازمی‌گردد؛ منطقه‌ای که احتمال تشدید مجدد درگیری‌ها در آن وجود دارد و این مسئله می‌تواند امنیت زندان‌ها را تهدید کند.

این رویداد ابعاد پیچیده‌ای دارد که نیازمند تأمل است. نخست، نشان‌دهنده بی‌ثباتی مستمر در شمال سوریه و ناتوانی ساختارهای امنیتی این کشور در مدیریت پرونده‌های حساس مانند زندان‌های داعش است. دوم، انتقال این تعداد انبوه از زندانیان با ملیت‌های گوناگون به عراق، بار امنیتی سنگینی را بر دوش دولت این کشور می‌گذارد. سوم، ابهام در سرنوشت زندانیان و نحوه محاکمه آنان، پرسش‌های حقوقی جدی ایجاد می‌کند. و چهارم چرا عراق؟ آیا این مقدمه‌ای برای استفاده ابزاری از پروژه بگیران تکفیر در منطقه است؟ آنچه مسلم است، خطر بازمانده‌های داعش به عنوان یک «بمب ساعتی» همچنان منطقه را تهدید می‌کند و غفلت از آن و دسیسه‌های امریکایی در به کارگیری این جماعت خون ریز می‌تواند فاجعه‌آفرین باشد.

درگیری‌های اخیر از حدود ۶ ژانویه ۲۰۲۶ (۱۶ دی ۱۴۰۴) و پس از شکست مذاکرات برای اجرای توافق قبلی ادغام (مورخ مارس ۲۰۲۵) آغاز شد. نیروهای دولتی سوریه طی این عملیات، کنترل شهرهای مهمی از جمله رقه و تأسیسات نفتی مجاور آن را به دست گرفتند.

شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ ۱۲ فوریه ۲۰۲۶ (۲۳ بهمن ۱۴۰۴) طی بیانیه‌ای از این توافق استقبال کرد و بر حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی سوریه تأکید نمود. اعضای شورا همچنین از اقدامات دولت سوریه برای تضمین حقوق کردهای سوریه استقبال کردند.

موضوع هفتم: بیانیه القاعده و تهدید ناوهای آمریکایی در منطقه

در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۲۶ (۱۵ بهمن ۱۴۰۴)، «السحاب»، رسانه رسمی القاعده، بیانیه‌ای با عنوان «از این عبرت بگیرید، ای صاحبان بصیرت» منتشر کرد که در آن تحولات منطقه به ویژه حضور نظامی گسترده آمریکا در خلیج فارس را مورد توجه قرار داده بود.

محتوای بیانیه:

تفسیر تحولات: القاعده در این بیانیه، حضور نظامی آمریکا در منطقه را ادامه «پروژه صلیبی-صهیونیستی» علیه اسلام و سرزمین‌های مسلمانان توصیف کرد و مدعی شد که غرب با بهانه‌های جدید به دنبال اشغال مجدد کشورهای اسلامی است. فراخوان به جهاد: این گروه از مسلمانان به ویژه جوانان خواست تا پیش از آنکه دیر شود، علیه «سپاه صلیبی» در منطقه به پاخیزند و ناوهای هواپیمابر آمریکایی را هدف قرار دهند.

ارجاع تاریخی: این بیانیه به غزوه تبوک در زمان پیامبر اکرم (ص) استناد کرد و آن را نمونه‌ای از اقدام پیشگیرانه در برابر تهدید دشمن معرفی نمود. همچنین به بمباران ناو یواس اس کول در سال ۲۰۰۰ در یمن اشاره کرد و آن را الگویی برای عملیات‌های آینده خواند.

تهدید پایگاه‌های منطقه‌ای: القاعده تأکید کرد که آمریکا دارای «ناوهای هواپیمابر غیرقابل غرق» دیگری نیز در منطقه است، از جمله پایگاه‌های نظامی در برخی کشورهای اسلامی و سرزمین‌های اشغالی فلسطین، و خواستار «آزادی» آن سرزمین‌ها شد.

این بیانیه در شرایطی صادر شد که آمریکا بزرگترین تجمع دریایی خود در منطقه از زمان جنگ عراق را سازماندهی کرده بود. بر اساس گزارش‌های دفاعی، حدود ۱۲ کشتی جنگی آمریکا از ابتدای ژانویه در منطقه مستقر شده‌اند و ناو هواپیمابر «آبراهام لینکلن» به همراه سه ناوشکن مجهز به موشک‌های هدایت‌شونده وارد منطقه شده بود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ - الْقِيْلَةُ الْعَالَمَةُ

﴿ فَأَعْتَبُوا بِتَأْوِيلِ الْأَنْصَرِ ﴾

الحمد لله الجليل القائل في حكم التنزيل: ﴿ وَتَوَلَّوْا لِلَّهِ النَّاسَ تَعْصِمُهُمْ بِتَحِيَّتِ لَهْؤُمَتْ صَوْبُهُمْ وَبَعِثَ رَسُولَهُمْ وَنَسَجَهُمْ لِيُفَكِّرُوا فِيهَا أَنْشَرَهُ اللَّهُ فَكَثُرُوا وَلَمْ يَنْصُرُوا اللَّهَ مِنْ بَشَرَةٍ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴾، والصلاة والسلام على رسول الله، وعلى آله الأطهار وصحبه الأبرار، ومن استن بسنته، وجاهد بجهاده إلى يوم الدين. أما بعد.

فيها هي الحملة الصهيونية المعاصرة بقيادة هبل العصر أمريكا، تختشد من جديد لإكمال مشروعها الصليبي الذي دشنه في مطلع القرن، وصرحت به وبخطواته، بجاءت الغزوات الجهادية المباركة في الحادي عشر من سبتمبر لإغاثة المشروع الصهيوني عن مقاصده، بحصاره لأهل الإسلام، واحتلاله لبلاد المسلمين، والعبث بثرواتها ومقدراتها، والسعي لتفتيتها، والعمل على تفتيت شعوب الأمة الإسلامية، وبث الخراب والدمار في المنطقة بأسرها، وإن الموقف الشرعي من هذه الحشود الصليبية المحتشدة التي أتت لاحتلال المنطقة بأسرها، وليس لخاربة دولة بعينها، هو وجوب مجادها وقتالها واستبداؤها قبل أن تخطأ أقدامهم أرض الإسلام، فلقد خرج رسولنا الضحوك القتال عليه الصلاة والسلام يوم تبوك إلى أجدادهم مستبقا حشودهم قبل أن تخطأ أقدامهم بلاد المسلمين صيانة للبيضة والحريم، فما يشهد اليوم هو مقدمات الكوفة الصليبية بعد الفزة، مصداقا لما قاله عنهم سيدنا عمرو بن العاصي رضي الله عنه: (وإنهم لأشرع الناس كفرة بعد فزة)، فما هو الصليب يكر بعد فراره ليعود من جديد لخاربة الأمة بشعاراته الأخرى بعد أن استهلك في العتدين الماضين شعار (الحرب على الإرهاب)، فقد كانت أفغانستان بالأمس، واليوم غزوة العزة، وغدا أفغانستان من جديد وتركيا وباكستان ومصر وجزيرة العرب وسائر بلاد المسلمين كما قالها المجرم اليهودي نتن ياهو، فنحن لا ننفض سر الصهيونيين، لكنه تاريخهم وواقعهم وما صرحت به السنتهم، فيما أهل الإسلام في كل مكان: ﴿ أَتَسْتَبْشِرُونَ بِأَنَّهُمْ يُؤْمِنُونَ بِتَحِيَّةٍ مِنْ بَيْنَاؤِهِمْ وَتَحِيَّةٍ لِلْمُتَّقِينَ ﴾.

أمتنا الغالية: لقد قالها أيضا ترمب بكل صراحة ووقاحة، وهو حامل الصليب الأكبر، وقائد هذه الحملة الصهيونية؛ أنه سيسترجع قاعدة (باغرام) ليجتلبها الصليبيون من جديد، وأنى له بإغرام والإمارة الإسلامية ورجالها الأبرار، ففكر الطاغية وقدر، وهدد ثاني عطفه ونظر، ثم أدبر واستكبر، فما كان منه سوى إرسال هذه الحشود الصليبية لعالمنا الإسلامي لخاربه وحصاره، فأمركا الصليبية وإن كانت تزعم بأنها أتت نصره لشعوب المنطقة كما زعمت بالأمس أنها أتت لخاربة الإرهاب، لكن المتابع يعلم أن عين الصليب شاخصة على أرض خراسان بغية القضاء على الإسلام الصاعد بقوة تحت سلطان الإمارة الإسلامية أعزها الله، فلا يتشكك في ذلك إلا جاهل أو معاند.



موضوع هشتم: تحلیل راهپیمایی پرشور ۲۲ بهمن ۱۴۰۴

راهپیمایی ۲۲ بهمن، «محاسبات دشمنان» به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی را برهم زده است. یک کاربر خطاب به ترامپ نوشت: «مراقب باش دچار اشتباه محاسباتی نشوی»

واکنش مقامات و شخصیت‌ها:

مقام معظم رهبری (مدظله العالی): ایشان در پیامی، حضور گسترده و ملی مردم در راهپیمایی را «مایه سربلندی کشور» و «عامل تقویت موقعیت ایران در برابر فشارها و تهدیدات خارجی» توصیف کردند و نتیجه این حرکت مردمی را «عزت، قدرت و استقلال ملی» دانستند.

رئیس‌جمهور دکتر پزشکیان: مسعود پزشکیان نیز حضور مردم را «حماسه‌ای استثنایی» خواند و تأکید کرد که این حضور، «آگاهی و مقاومت مردم در برابر جنگ رسانه‌ای خارجی» را به تصویر کشید.

سخنگوی وزارت خارجه: اسماعیل بقائی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که راهپیمایی ۲۲ بهمن، «تجلی ملموس پیوند ناگسستنی ملت و دولت» و حامل این پیام روشن بود که ایران تصمیمات راهبردی خود را بر اساس اراده ملی اتخاذ می‌کند، نه تحت تأثیر فشارهای خارجی.

چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران در تاریخ ۱۱ فوریه ۲۰۲۶ (۲۲ بهمن ۱۴۰۴) در سراسر کشور برگزار شد. این راهپیمایی در شرایط حساس منطقه‌ای و بین‌المللی و همزمان با تشدید فشارهای خارجی و تهدیدات نظامی آمریکا صورت گرفت.

گزارش رسانه‌های داخلی: بر اساس ارزیابی‌های میدانی و گزارش‌های خبرنگاران اعزامی، حضور مردم در راهپیمایی امسال در سطحی گسترده و «بی‌سابقه» توصیف شد. خبرگزاری رسمی دولت (وانا) از حضور میلیونی مردم در سراسر کشور خبر داد و آن را نشانه وحدت ملی و افزایش قدرت جمهوری اسلامی دانست.

طراحی رسانه‌ای: طبق گزارش‌ها، تمهیدات گسترده‌ای برای پوشش این رویداد پیش‌بینی شده بود، از جمله حضور بیش از ۷۷۰۰ خبرنگار و استقرار ۲۰۰ خبرنگار خارجی در مسیرهای راهپیمایی.

واکنش کاربران فضای مجازی: کاربران ایرانی در پلتفرم ایکس (توییتر سابق) با انتشار گسترده پست‌ها و نظرات خود، بر این نکته تأکید کردند که حضور پرشور مردم در

راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال را باید از چند منظر مورد تحلیل قرار داد:

۱ همبستگی ملی به مثابه «قدرت نرم»: مقام معظم رهبری پیشتر تأکید کرده‌اند که «قدرت ملی به موشک و هواپیما نیست، به اراده و عزم مردم است». راهپیمایی امسال تجلی عینی این «قدرت نرم» بود. در شرایطی که دشمن با جنگ ترکیبی و رسانه‌ای به دنبال تضعیف روحیه ملی و ایجاد شکاف بین مردم و حاکمیت است، حضور گسترده در صحنه، قوی‌ترین پاسخ به این توطئه‌ها محسوب می‌شود.

۲ ابطال محاسبات دشمن: همانگونه که کاربران فضای مجازی نیز بدان اشاره کردند، حضور میلیونی مردم در شرایط حساس کنونی، هرگونه محاسبه غلط دشمن درباره «جدایی مردم از نظام» یا «ضعف داخلی» را باطل کرد. پیام این حضور به کاخ سفید و تل‌آویو این بود که ملت ایران پشتیبان محکم رهبری و نظام خود باقی مانده است.

۳ تمایز روایت‌ها: در مقابل روایت افتخارآمیز رسانه‌های داخلی و کاربران ایرانی، برخی رسانه‌های معاند مانند جروزالم پست تلاش کردند با انتشار ادعاهای واهی درباره «اجباری بودن حضور» و «جعل مشروعیت»، این حماسه مردمی را زیر سؤال ببرند. این تلاش‌ها نه تنها نتوانست واقعیت حضور گسترده مردم را مخدوش کند، بلکه نشان دهنده استیصال رسانه‌ای دشمن در برابر انسجام ملی ایرانیان است.

۴ تأکید بر گفتمان مقاومت: شعارهای راهپیمایی امسال عمدتاً بر محور حمایت از جبهه مقاومت، محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی و دفاع از آرمان فلسطین متمرکز بود. این مسئله نشان می‌دهد که ملت ایران همچنان آرمان‌های انقلاب را زنده و پویا می‌دانند و خود را بخشی از جبهه بزرگ مقاومت اسلامی تعریف می‌کنند.

1. <https://B2n.ir/ku6048>

راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال را می‌توان یک «رفراندوم ملی» برای تجدید بیعت با آرمان‌های انقلاب و رهبری معظم دانست. در شرایطی که دشمن با تمام توان رسانه‌ای و نظامی خود به میدان آمده بود، ملت ایران با حضور خود نشان داد که «پای کار نظام» است و اجازه نخواهد داد توطئه‌های خارجی به ثمر بنشیند. این حضور پرشور، پیام روشنی به کاخ سفید و متحدان منطقه‌ای آن داشت که محاسباتشان درباره ایران، محاسباتی غلط و واهی است.

محمدرضا پهلوی؛ عامل اصلی و نماد فساد سیستماتیک در تاریخ معاصر ایران



بررسی اسناد تاریخی، خاطرات رجال سیاسی و گزارش‌های نهادهای رسمی خارجی نشان می‌دهد که فساد اقتصادی در دوره پهلوی، یک انحراف مقطعی یا محدود به چند چهره خاص نبود، بلکه محصول ساختار رانتی، تمرکز ثروت نفتی و تملک شخصی دولت توسط شاه بود. در رأس این هرم فاسد، شخص محمدرضا پهلوی قرار داشت که نه تنها از فساد گسترده درباریان آگاه بود، بلکه خود بزرگترین بهره‌بردار و هدایت‌کننده این سیستم به شمار می‌رفت. آنچه در این مقاله به آن می‌پردازیم، تبیین مستند نقش محوری شاه در ایجاد و گسترش شبکه فساد، برداشت‌های بی‌حساب از بیت‌المال و هزینه‌های هنگفت شخصی از خزانه کشور است.^۱

نگاه شاه به بیت‌المال: «پول من، نفت من، درآمد من»^۱

یکی از مهمترین ریشه‌های فساد سیستماتیک در دوره پهلوی دوم، نگاه مالکانه شاه به منابع کشور بود. همایون کاتوزیان در کتاب خود به نقل از ابوالحسن ابتهاج، رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه، می‌نویسد که محمدرضا پهلوی درآمدهای نفتی را ملک شخصی خود می‌دانست و بارها در تلویزیون از تعبیری چون «پول من»، «نفت من» و «درآمد من» استفاده می‌کرد. این نگاه که حاکی از عدم تفکیک میان بیت‌المال و دارایی شخصی بود، او را به فاسدترین فرد در رأس هرم قدرت بدل ساخت.

بر اساس گزارش‌های تاریخی، شرکت ملی نفت ایران که مدیرعامل آن اقبال (از نزدیک‌ترین افراد به شاه) بود، بخشی از درآمد نفت را محرمانه به حساب شخصی شاه واریز می‌کرد؛ رقمی که تنها در سال ۱۳۵۵ معادل یک میلیارد دلار برآورد شده است. این انتقال‌های پنهان در حالی صورت می‌گرفت که بخش بزرگی از مردم ایران در فقر و تنگنای شدید معیشتی به سر می‌بردند.

بنیاد پهلوی؛ پوششی برای تمرکز ثروت و قانونی‌سازی دارایی‌های نامشروع^۲

بنیاد پهلوی که در سال ۱۳۳۷ تأسیس شد، مهمترین ابزار خاندان سلطنتی برای تمرکز ثروت و قانونی‌سازی دارایی‌های نامشروع بود. این بنیاد در ظاهر یک مؤسسه خیریه، اما در عمل یک بنگاه اقتصادی خانوادگی بود که منافع تجاری خانواده پهلوی را ساماندهی می‌کرد.

ابعاد دارایی بنیاد

- بر اساس گزارش روزنامه واشنگتن پست در سال ۱۹۷۹، بنیاد پهلوی مالک بیش از ۲۰۰ شرکت و مؤسسه در داخل و خارج از ایران بود و سرمایه‌ای نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار در اختیار داشت.

- نیویورک تایمز در دی‌ماه ۱۳۵۶، دارایی‌های متقول و غیرمتقول بنیاد پهلوی را حدود سه میلیارد دلار ارزیابی کرده بود.

- بر اساس اسناد سفارت آمریکا، ۲۰ تا ۴۰ درصد درآمدهای بنیاد مستقیماً به اعضای خانواده سلطنتی می‌رسید.

انتقال درآمد نفت به حساب بنیاد

دو سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، یک روزنامه فرانسوی صورتحساب یکی از حساب‌های بانکی بنیاد پهلوی در سوئیس را افشا کرد. این سند نشان می‌داد که شرکت ملی نفت ایران ظرف مدت یک ماه، ۱۲ میلیون دلار به حساب این بنیاد واریز کرده است. این اسناد به خوبی نشان می‌دهد که بنیاد پهلوی به مثابه کانالی برای انتقال ثروت ملی به جیب خاندان سلطنتی عمل می‌کرد.

1. <https://B2n.ir/ku6048>

2. <https://B2n.ir/nq3926>



فساد در خریدهای تسلیحاتی؛ پورسانت‌های میلیاردی^۱

یکی از مهمترین منابع فساد در دوره پهلوی دوم، قراردادهای کلان خرید تسلیحات از کشورهای غربی بود. در این معاملات، رشوه‌های کلانی میان شاه و واسطه‌ها جابه‌جا می‌شد:

بر اساس اسناد تاریخی، ارتشبد حسن طوفانیان که واسطه اصلی خرید اسلحه بود، در معاملات کوچک نیم درصد و در معاملات بزرگ دو درصد پورسانت دریافت می‌کرد. بخش اصلی این سودها مستقیماً به شاه می‌رسید. با توجه به اینکه سالانه یک تا دو میلیارد دلار صرف خرید تسلیحات می‌شد و حدود یک‌سوم کل هزینه‌های کشور به ارتش و پلیس اختصاص داشت، می‌توان تخمین زد که حجم رشوه‌های دریافتی توسط شاه و نزدیکانش در این بخش چه اندازه هنگفت بوده است.



بر اساس اسناد تاریخی، ارتشبد حسن طوفانیان که واسطه اصلی خرید اسلحه بود، در معاملات کوچک نیم درصد و در معاملات بزرگ دو درصد پورسانت دریافت می‌کرد. بخش اصلی این سودها مستقیماً به شاه می‌رسید. با توجه به اینکه سالانه یک تا دو میلیارد دلار صرف خرید تسلیحات می‌شد و حدود

یک‌سوم کل هزینه‌های کشور به ارتش و پلیس اختصاص داشت، می‌توان تخمین زد که حجم رشوه‌های دریافتی توسط شاه و نزدیکانش در این بخش چه اندازه هنگفت بوده است.

هزینه‌های شخصی و حق‌السکوت‌ها از بیت‌المال^۲

محمدرضا پهلوی علاوه بر دریافت رشوه و انتقال درآمد نفت به حساب‌های شخصی، هزینه‌های هنگفتی را برای امور شخصی خود از بیت‌المال برداشت می‌کرد:

(الف) هزینه برای معشوقه‌ها: یکی از هزینه‌های عجیب شاه، مخارجی بود که به معشوقه‌های خود برای مسکوت ماندن روابط نامشروع می‌پرداخت. بیشتر این رشوه‌ها شامل جواهرات قیمتی بودند که با دستور شاه از خزانه پرداخته می‌شدند.

(ب) باخت‌های قمار و حق‌السکوت: محمدرضا پهلوی در جلسات قمار شرکت فعال داشت. اسناد تاریخی نشان می‌دهد که او حق‌السکوت‌هایی برای جلوگیری از پخش اخبار مربوط به باخت اعضای خانواده‌اش در قمارخانه‌های خارجی پرداخت می‌کرد. برای نمونه، در یکی از اسناد آمده است که شاه حق‌السکوتی برای جلوگیری از پخش اخبار باخت اشرف پهلوی در قمارخانه مونت‌کارلو پرداخت کرد.

(ج) هزینه‌های سفرهای خارجی و کاخ‌ها: هزینه خرید کاخ‌ها، ملک، زمین، اتومبیل و سفرهای خارجی همه از ثروت عمومی و خزانه مملکتی تأمین می‌شد. حسین فردوست در خاطرات خود می‌نویسد که شاه در ولخرجی‌های شخصی، گاه برای یک شب، یک میلیون تومان هزینه می‌کرد.

1. <https://B2n.ir/ku6048>

2. <https://B2n.ir/qy4418>

شاه و سرپوش گذاش تن بر پرونده‌های فساد

اسناد سفارت آمریکا در تهران که پس از اشغال لانه جاسوسی منتشر شد، به‌خوبی نشان می‌دهد که محمدرضا پهلوی نه‌تنها خود در فساد دست داشت، بلکه شخصاً دستور عدم پیگیری پرونده‌های فساد اقتصادی خاندان پهلوی را صادر می‌کرد. در سندی به تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۵۷ با طبقه‌بندی «خیلی محرمانه» آمده است:

«دکتر ناصر میناچی (وزیر اطلاعات و جهانگردی و اوقاف) گفت که دولت وی مدرکی دال بر فساد در سطح وسیعی «در بالاترین سطوح رژیم پهلوی و منجمله خانواده شاه» دارد. سپس او پرونده‌های را نشان داد و گفت این در وزارت دادگستری به دست آمده و شرح یک تحقیق است که چندین سال قبل توسط دادستان انجام شده بود. طبق گفته میناچی کشفیات دادستان به دستور شخص شاه بایگانی شده بود.»

همچنین در جزوه‌ای که سازمان سیا برای آشنایی مأموران خود با نخبگان ایران تهیه کرده بود، درباره اشرف پهلوی آمده است: «شاه مایل یا قادر به اتخاذ تدبیر مؤثر در محدود کردن فعالیت‌های مبهمی که اشرف و پسرش شهرام به آن اشتغال داشته‌اند، نبوده است». این سند نشان می‌دهد که شاه نه‌تنها جلوی فساد خواهر خود را نمی‌گرفت، بلکه عملاً به آن مشروعیت می‌بخشید.

برآورد کل ثروت شاه؛ جایگاه جهانی در فساد

برآوردهای مختلفی از کل ثروت محمدرضا پهلوی صورت گرفته است:

- بر اساس گزارش نیویورک تایمز در دی‌ماه ۱۳۵۶، دارایی‌های شاه بیش از یک میلیارد دلار برآورد می‌شد.
- یک اقتصاددان ایرانی در گفتگو با واشنگتن پست، دارایی کل خاندان سلطنتی را بیش از ۲۰ میلیارد دلار تخمین زده بود.
- بر اساس برخی گزارش‌ها، محمدرضا پهلوی و همسرش حدود ۳۵ میلیارد دلار سرمایه شخصی در اختیار داشتند و بین ۳۰ تا ۵۰ درصد سهام بانک‌های خصوصی را به خود اختصاص داده بودند.

 Haiti Jean-Claude 'Baby Doc' Duvalier (ruled 1971-1986) Allegedly stole \$300m-\$900m Frozen assets: \$5m in Switzerland Returned to Haiti from exile in France in Jan 2013	 Tunisia Zelin al-Abidine Ben Ali (ruled 1987-2011) n.a. Switzerland recently froze his bank accounts and other assets in the country Fled to Saudi Arabia in Jan 2011	 Iraq Saddam Hussein (ruled 1979-2003) Stole \$100m-\$400m Frozen assets: \$2.5m in France Was overthrown during the US-led invasion of Iraq in 2003. Executed in Dec 2006	 Iran Mohammad Reza Shah Pahlavi (ruled 1942-1979) Stole \$300m Frozen assets: \$20m in the US Died in exile in Egypt in 1980	 Indonesia Haji Muhammad Suharto (ruled 1965-1998, president from 1967) Stole \$100m-\$300m Frozen assets: \$500m in Indonesia Accused of embezzling state funds but avoided standing trial. He died in 2008
--	--	--	---	--

شاه، بزرگترین اختلاسگر تاریخ ایران

روزنامه‌فایننشال تایمز با انتشار لیستی از بزرگترین دیکتاتورهای دزد دنیا، محمدرضا شاه را با ۳۵ میلیارد دلار دزدی از اموال مردم، در صدر این لیست قرار دارد/ مشرق

در سال ۲۰۱۱، مجله آمریکایی Business Insider با استناد به داده‌های بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل، فهرستی از ده رهبر فاسد قرن بیستم منتشر کرد که محمدرضا شاه پهلوی در رتبه پنجم آن قرار گرفت. میزان دارایی اختلاس شده از ایران توسط او حدود ۳۵ میلیارد دلار برآورد شده بود.

آنچه از مجموع اسناد و گزارش‌ها برمی‌آید، این است که محمدرضا پهلوی نه یک ناظر منفعل، بلکه عامل اصلی و نماد فساد سیستماتیک در تاریخ معاصر ایران بوده است. او با نگاه مالکانه به منابع کشور، تأسیس بنیاد پهلوی به عنوان پوششی برای تمرکز ثروت، دریافت رشوه از قراردادهای تسلیحاتی، هزینه‌های شخصی هنگفت از بیت المال و سرپوش گذاشتن بر پرونده‌های فساد، ساختاری را ایجاد کرد که در آن فساد از رأس هرم قدرت به تمام سطوح جامعه تسری یافت.

این فساد گسترده، در کنار شکاف عمیق طبقاتی و بی‌عدالتی اجتماعی، به تدریج مشروعیت سیاسی حکومت پهلوی را از بین برد. همان‌طور که فردوست در خاطرات خود نوشته است: «در روزهای اشغال ایران، رادیوی بی‌بی‌سی سه روز متوالی درباره املاک رضاخان صحبت می‌کرد و می‌گفت بزرگترین خدمت او به مملکتش، غصب کلیه اموال مردم شمال بوده است». این روایت‌ها نشان می‌دهد که فساد خاندان پهلوی چنان آشکار و گسترده بود که حتی رسانه‌های خارجی نیز به آن می‌پرداختند و همین امر زمینه‌ساز بی‌اعتمادی عمیق مردم به حکومت و در نهایت پیروزی انقلاب اسلامی شد.



مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

قدرت ملی بیش از آنکه به موشک و هواپیما ارتباط داشته باشد، به اراده‌ی ملت‌ها و ایستادگی ملت‌ها ارتباط پیدا میکند. شما بحمدالله در قضایای مختلف ایستادگی را نشان داده‌اید، اراده‌ی خودتان را نشان داده‌اید؛ باز هم نشان بدهید و دشمن را مأیوس کنید. تا دشمن مأیوس نشود، یک ملت در معرض آزار و اذیت قرار میگیرند؛ باید دشمن را مأیوس کرد. مأیوس بودن دشمن، با اتحاد شما است، با قدرت فکر و اراده‌ی شما است، با انگیزه‌ی شما است، با ایستادگی در مقابل وسوسه‌های دشمن است؛ اینها قدرت ملی را تشکیل میدهد.

پیام تلویزیونی خطاب به ملت ایران در آستانه چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و یوم الله ۲۲ بهمن

منا دیان امت

دو هفته نامه منادیان امت | شماره بیست | نیمه دوم بهمن ماه ۱۴۰۴

